

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی • مشاوران: عباس عبدی و احمد زیدآبادی • سردبیر: محمد جواد روح • سردبیر آنلاین: افشین امیرشاهی • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد)، آرمن منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)، علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست)، الهه ابراهیمی (خبر)، آرش خاموشی (عکس)، هادی حیدری (طرح و کاریکاتور)، مدیر هنری: مهدی قربانی تبار، حرفه‌بینی و ویراستاری: شهرام هادی • مدیر اداری و آژسی‌ها: شاهرخ حیدری • تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آژسی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸، لیتوگرافی و چاپ: هم‌مین • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲

## حق، مسئولیت و مالیات



نیوشا طبیبی‌گیلانی  
روزنامه‌نگار و پادکستر

مالیات در کشورهای معمولی جهان، سامان‌دهنده رابطه مردم و دولت‌هاست. دولت دموکراتیک، منتخب مردم و برآمده از صندوق‌های رأی منتهی به درآمدهای حاصل از مالیات است. مردم مالیات پرداخت می‌کنند و دولت به‌منزله کارگزار و عامل و گماشته، موظف و متعهد است که در قبال دریافت این مالیات، خدمات مربوط به کشورداری، ارتقای رفاه مردم، سامان دادن به نظام بهداشتی و مستقل نگاه داشتن دستگاه قضایی و صدها وظیفه ریز و درشت دیگر را به‌جا آورد. مالیات در نظام‌های پیشرفته، وسیله‌ای برای مهار ثروت‌اندوزی و به‌وجود آمدن طبقه‌ای بسیار ثروتمند و طبقه‌ای محروم و تنگ‌دست می‌شود. ضمناً پرداخت مالیات برای شهروند «حق» ایجاد می‌کند. در نظام حقوقی دموکراتیک، حق و مسئولیت ملازم یکدیگرند و بدون یکی، دیگری معنایی ندارد. نمی‌شود از مردم مالیات گرفت، از مردم محروم بیشتر مالیات گرفت یا بار مالیاتی ثروتمندان جامعه را بر دوش مردم عادی و لایه‌های آسیب‌پذیر یا به‌قول دولتی‌ها، «دهک»‌های پایین انداخت و حتی هم برای آنها قائل نشد.

صحبت‌های رئیس سازمان مالیاتی و شیوه سخن گفتن او که از «گسترش چتر مالیات‌ستانی» و «براندازی تمام فعالیت‌های مجازی» سخن می‌گوید، نکته‌ها دارد. سازمان مالیاتی با چنین دیدگاهی، سازمانی حاکمیتی برای تحقق عدالت اجتماعی، تأمین درآمدهای دولت و در نهایت رونق اقتصادی و رفاه عموم، نیست. سازمانی است که «مالیات می‌ستانند»، ولو به قیمت «براندازی کسب‌وکارهای مجازی» و ولایت کسب‌وکارهای واقعی. اما چرا این وضعیت در کشورهای دیگری که متکی به درآمد مالیاتی مردم‌شان هستند، حاکم نیست؟ برای آنکه در این گونه کشورها، نظام مالیاتی به‌جای آنکه بر اساس کارکرد افراد و ممیزها شکل بگیرد، بر اساس نظامی قاعده‌مند و ماشینی پایه‌گذاری شده است. حب و بغضی وجود ندارد. سیستم یکپارچه، همه اطلاعات درآمدهای افراد را در خود دارد. عدم اظهار درآمد جرمانگاری شده، مجازات جدی و سنگینی در پی دارد و در زمره جرائم جنایی محسوب می‌شود. ثروتمندان می‌دانند که بدون تردید و بسیار شفاف و روشن کمیته یک‌پنجم درآمدها را باید برای پرداخت مالیات کنار بگذارند. در آن کسی تردید ندارد. دولت هم پاسخگوی درآمدهای خود به پارلمان است.

اما دولتی که متکی به درآمدهای جداگانه نفتی است و می‌داند که حواشی‌اش را با آن درآمدها به‌جا خواهد آورد، اتکالی به مالیات شهروندان ندارد. نه آنکه این پول را «ستانند»، اتفاقاً «می‌ستانند» و با سخت‌ترین شیوه‌ها هم «می‌ستانند» طوری که به «براندازی کسب‌وکارها» هم منجر شود. اما آیا این ستاندن سخت و گسترانیده شدن چتر مالیات‌ستانی شامل ثروتمندانی که درآمدهای غیرشفاف زیادی دارند هم، می‌شود؟ کارمند، کارگر و دستمزدگیر، مالیات‌شان را پیش‌پیش پرداخت می‌کنند. کسب‌وکارهای کوچک، با وحشت فراوان با ممیزها و دولوپس‌های بسیار بر سر پذیرفته شدن یا نشدن مدارک و اسنادشان با ادارات مالیات درگیر هستند، اما ثروتمندان بزرگ بهره‌مند از رانت‌ها، سلبریتی‌های مورد حمایت، فوتبالیست‌های همیشه طلبکار از ملت هم مالیات پرداخت می‌کنند؟ و اگر می‌کنند ارقام و اعدادشان واقعی است و جایی ثبت می‌شود که بتوان آنها را رصد کرد؟

نکته دیگر، دولتی که خود را پاسخگوی درآمدهایش نداند - که در ایران سنت چنین است و به این دولت و آن دولت مربوط نیست - اخذ مالیات از مردم برایش مسئولیتی به‌همراه نمی‌آورد و وظیفه‌ای بر کرده‌اش نمی‌گذارد. مدیران این نوع دولت‌ها خود را «زن برتر» و «نجبان» جامعه می‌دانند که بالاترینی‌شان لاجرم برای مروتان و محکومان‌شان خرج دارد و خلائق باید هزینه‌های صادرات آنها بر سرشان را پرداخت کنند. صحبت از برتری شیوه‌های دیگر بر روش ما نیست، نکته مهم در اخذ مالیات، اعمال زور و تهدید به «براندازی کسب‌وکارهاست»، نیست، «شفافیت» است. اگر بارش‌ها و شیوه‌هایی، ساختاری به‌وجود بیاید که درآمدها شفاف، روشن و در دسترس باشند، جای چانه‌زنی و مذاکره وجود نخواهد داشت. درآمدها و هزینه‌ها آشکار می‌شوند و اخذ مالیات بر اساس «مکانیسم» خواهد بود، نه تشخیص ممیز محترم. قطعاً این سازوکارها وجود دارند و هزاران کارمند محترم مشغول بررسی دقیق هستند اما وقتی شفافیت نباشد، راه به جایی نخواهد برد.



## تراژدی انزوا و فراموشی

### درباره پردیس افکاری که سوم اسفندماه در ۶ سالگی درگذشت



رضا صائمی

خبرنگار گروه فرهنگ

تراژدی فقط یک ژانر یا الگوی روایی نیست که هنرمندی آن را اجرا کند و به نمایش بگذارد، گاهی تقدیر اوست که بیرون از جهان نمایش، زندگی و سرنوشت یک هنرمند را رقم می‌زند. پردیس افکاری این تراژدی را زیست و تجربه کرد و به تقدیر مرگ تن داد. پس از سال‌هایی خبری از او دوری از فضای بازیگری، قاب سینما و تلویزیون به‌ناگهان خیر آمد که دچار سرطان کبد شده، به کم‌ارفته و دعا کنید تا شاید کاری از معجزه برآید اما چنین نشد تا او در سن ۶۰ سالگی تسلیم مرگ شود.

#### ▼ ناگهان خبر، ناگهان مرگ

این الهام‌پاوه‌نژاد، بازیگر سینما بود که برای اولین بار با انتشار خبر بیماری او در صفحه شخصی‌اش، نوشت: «دوستان خبرنگار پیگیر وضعیت پردیس افکاری باشیم، امروز متوجه شدم در بیمارستانی دورافتاده درگیر درمان سرطان شده، کمک کنیم شاید نجات‌های مربوطه کاری انجام دهند». بعد از او ویدئویی از سخنرانی دکتر قطب‌الدین صادقی، کارگردان تئاتر در مراسمی منتشر شد که با صدایی بغض‌آلود می‌گفت: «پردیس افکاری بعد از سال‌ها به ایران بازگشته و در یک بیمارستان دورافتاده در وضعیت نامناسبی در حال دست‌وپنجه‌نرم کردن با بیماری سخت سرطان است و هیچ نهاد و سازمانی هم سراغی از او نگرفته است.» همسر پردیس افکاری، محمد نجفی هم در گفت‌وگویی با یک رسانه با ارائه جزئیاتی درباره بیماری همسرش که دچار سرطان کبد بود و مدت کوتاهی، به وضعیت وخیم رسیده بود، ابراز تاسف کرده و گفته بود: «از زمان تشخیص بیماری همسر من تا به امروز کمتر از یک هفته گذشته. متأسفانه این بیماری پنهان بود و ما اصلاً متوجه آن نشده‌ایم. همچنین حال روز ایشان هم طوری نبود که احتمال بیماری بدیم. از زمان بروز بیماری، خیلی زود به این مرحله حاد رسید و به‌سرعت تمام کبد را گرفت و به بخشی از ریه هم سرایت کرده است.» نجفی گفته بود تنها معجزه کارساز است اما دیگر دیر شده بود و دعاها و کمک‌ها اثر نکرد. تراژدی اینجاست که پس از سال‌هایی خبری از بازیگر قدیمی به‌ناگهان خبر بیماری، سپس مرگش به‌عنوان آخرین خبر از او در حافظه سینمایی مردم ثبت می‌شود.

#### ▼ از جام جم تا شبکه جم

نسل‌های دهه ۶۰ به‌قبل احتمالاً چهره او را در ذهن داشته باشند و خاطرات بازیگری‌اش را به‌یاد آورند، اما شاید برای نسل امروز چندان نام و چهره آشنایی نباشد. او سال‌ها از دنیای نمایش به دور بوده و حتی مخاطبان آشنا هم شاید او را از یاد برده بودند. با این حال او کارنامه پرکاری در زمینه بازیگری دارد. از ۱۶ سالگی در مدرسه هنرپیشگی آناهیتا زیر نظر مصطفی اسکویی، دوره‌ی دو‌ساله‌ی بازیگری را گذراند. سپس در تئاترهای کارگردانان مشهوری چون مصطفی اسکویی، مجید جعفری، رکن‌الدین خسروی، دکتر قطب‌الدین صادقی و... حضور داشت. در برنامه‌های تلویزیونی عروسکی معروف دهه ۶۰، چون «هادی و هدی» و «بیز قندی» به‌عنوان بازیگردان عروسکی مشغول بوده است. هم‌زمان با نمایش در سینما هم در فیلم‌های زیادی نقش آفرینی کرد و بیش از ۲۰ فیلم سینمایی در کارنامه‌اش دارد؛ از کارگردانان معروف و شناخته‌شده گرفته تا جوانانی در آغاز راه که بعدتر خود فیلمساز شدند. فلامه‌های طلا و گیرنده (۱۳۹۰)، شیرین فتاری بود (۱۳۹۰)، شور شیرین (۱۳۸۸)، کیفر (۱۳۸۸)، بانی چاو (۱۳۷۴)، پرواز را به خاطر بسپار (۱۳۷۱)، برخورد (۱۳۷۰)، دخترک کنار مرداب (۱۳۶۸) و کوزل (۱۳۶۸) از آثار سینمایی اوست. بیش از ۱۵ مجموعه تلویزیونی هم در کارنامه دارد و بعضی از آن‌ها چون فکر پلید، خسته‌دلان و... برپیننده هم بودند. او در تئاتر با کارگردانی چون زنده‌یاد رکن‌الدین خسروی، مجید جعفری، شکر خدا گودرزی، محمد نجفی

و قطب‌الدین صادقی همکاری داشته و از عمده نمایش‌هایی که در آنها بازی کرده می‌توان به آثاری چون سوسنگرد، ابن سینا، باغ آلبالو، زیرگنبد کبود، ژاندارک، عروسی، عاشق کثون و ندونن طلا اشاره کرد. بازی در فیلم‌ها و نمایش‌های تلویزیونی‌ای چون هادی و هدی، بیز قندی (عروسک گردان)، غروب یک روز بارانی، غفلت، معین پزشکی، فکر پلید، خانه شماره پنجم، این یک دادگاه نیست و در مسیر زاینده‌رود، بخش دیگری از کارنامه هنری این بازیگر است. افکاری در سینما با کارگردانی چون سیروس لوند، محمدعلی سجادی، ام‌الله احمدجو، حسن فتحی، کریم آتش، حمید رخسانی و... همکاری کرده که نتیجه آن بازی در آثاری همانند دخترک کنار مرداب، گزل، کیفر، بر خور، پرواز را به خاطر بسپار، پنجاه روز التهاب، ضربه آخر و بانی چاو... است. این بازیگر دهه ۹۰ در نمایش «کاسپار»، نوشته «پتر هاندکه» و به کارگردانی محسن معینی به ایفای نقش پرداخت. بازی در نمایش «بر قفس تندرو»، به کارگردانی محسن معینی، دیگر حضور او بر صحنه نمایش است. طی این سال‌ها او بازیگر محبوب و بی‌حاشیه‌ای بود تا اینکه به‌دلیل حضور در فیلم «فلامه‌های طلا» مورد انتقاد شدید بسیاری از مخاطبان قرار گرفت و شاید همین هم موجب انزوا و کناره‌گیری‌اش از عرصه بازیگری در داخل شد؛ تا او در جایی دیگر و خارج از ایران به فعالیتش ادامه دهد. افکاری در اواسط دهه ۹۰ به ترکیه رفت و با شبکه جم چند همکاری در زمینه سریال و... داشت که البته معروفترین آن‌ها سریالی بود به اسم «شهر فرنگ»، ساخته مهدی مظلومی که چندان هم دیده نشد. البته بازیگران دیگری هم بودند که همگی بعدتر به کشور برگشتند و اساساً فعالیت در این شبکه را ترک کردند. اما او هم مثل بسیاری دیگر از بازیگرانی شد که چنین تجربه‌ای داشتند، نتوانستند به‌دوران طلایی گذشته خود برگردند و در حاشیه ماندند.

#### ▼ واکنش هنرمندان به مرگ پردیس افکاری

با مرگ تلخ پردیس افکاری بسیاری از هنرمندان و همکارانش در پیام‌ها و دل‌نوشته‌هایی به این اتفاق، واکنش نشان دادند. برخی مثل پرویز پرستویی، پریناز ایزدیار، تینا پاکروان و شاهرخ استخری با انتشار عکس او، درگذشت‌اش را تسلیت گفتند. هنگامه قاضیانی نوشت: «رها از پنج‌هاش می‌آرام پرکش و این خبر دردناک هست و تلخ». سیما تیرانداز هم با انتشار عکس او نوشت: «او این زندگی غمگین ما... الهام‌پاوه‌نژاد هم که اولین بار خبر بیماری او را منتشر کرده بود با انتشار عکسی از او نوشت: «یکی دیگر از ما...». پرستو گلستانی هم که هم‌کلاسی او در دانشگاه بود، نوشت: «پردیس امروزه دانشکده روایت‌میداد؟ چقدر فحش می‌دادیم به خودمون که عمومی هامون موند بود، رفیق دانشگاه میدان امام حسین؟ یاچه‌های شلوارمون رو می‌زدیم بالا و الکی می‌خندیدیم. وقتی از ایران رفتی، گفتم حتماً حال دلت خوبه، بی‌خبر بودیم از هم، کاش می‌دونستیم برگشتی، تویی حاشیه‌زندگی کردی، رفتی، آمدی و رفتی. هیچ‌وقت قاطی هیچ بازی‌ای نشدی، شریف و هنرمند. روح در آرامش رقیق جان»

#### ▼ زخم انزوا و بی‌رحمی سینما

سرگذشت پردیس افکاری تلخ بود و بار دیگر قصه تراژیک هنر و هنرمند بودن در این سرزمین را روایت کرد. روایت‌تهایی و فراموشی. افکاری در آخرین گفت‌وگوی خود که از او منتشر شده، درباره عدم حضورش در آثار هنری گفته بود: «کار ما به‌گونه‌ای شده است که امروز تنها یک تعداد خاصی کار می‌کنند و باقی تماشاگران گروه هستند. آدم‌هایی که بی‌تخصص هستند، در این حوزه فامیل دارند و به‌همانی‌های شبانه‌می‌روند و درهمی‌هایی با هم دارند، می‌توانند به‌راحتی کار کنند و دوستانی که در این روابط جایی ندارند بی‌کار هستند. ما در واقع تماشاگر آن گروهی هستیم که مشغول کارند.» او البته چندان امید به آینده عرصه هنر هم نداشت و گفته بود: «فکر نمی‌کنم شاهد اتفاقی مثبت در عرصه هنر باشیم، چرا که معتقدم باید همیشه واقعیت‌ها را دید و اصولاً نمی‌توانیم که امیدواری داشته باشیم. وقتی چیزی در حال سقوط است، نمی‌توان به نجات آن امید داشت. سینمای ایران از نظر من سقوط کرده است و برای برگشت مجدد آن نیاز به زمان، مدیریت درست و تخصص داریم.» یادش جاودان.

## چهره

### دروازه بان گلزن ایران

تیم ملی فوتبال ساحلی ایران با برتری ۲ بر یک مقابل امارات، برای دومین بار در تاریخ به مرحله نیمه‌نهایی جام جهانی فوتبال ساحلی راه یافت اما نکته قابل توجه، درخشش دوباره دروازه‌بان تیم ملی ایران در امر گلزنی بود. سایت فدراسیون جهانی فوتبال (فیفا) در واکنش به این پیروزی، گزارشی با تیتیر «جادوی میرجلیلی، بازگشت ایران را تکمیل کرد»، نوشت که در آن آمده است: «ایران در مقابل جمعیت پرسروصدای ورزشگاه دویی، گل خورد را جبران کرد و با برتری در این مسابقه به نیمه‌نهایی رسید. سیدمهدی میرجلیلی، دروازه‌بان ایران، با شوت سر ضرب فوق‌العاده خود، گل دوم این تیم را به‌ثمر رساند.» میرجلیلی در دور مقدماتی نیز با شوتی سرکش، دروازه تاهیتی را باز کرده بود. گفتنی است، ایران باید در مرحله نیمه‌نهایی با تیم قدرتمند برزیل رویارویی کند، در صورت پیروزی می‌تواند تاریخ‌سازی خود را ادامه دهد و راهی فینال جام جهانی فوتبال ساحلی شود.



## کتابخانه

### سه‌م رسانه‌های اجتماعی در درک ما از خود

کتاب «روان‌شناسی رسانه اجتماعی»، نوشته کیوران مک‌ماتن و با ترجمه ماندانا افتخار در ۱۴۳ صفحه و با قیمت ۱۲۰ هزار تومان توسط نشر نو منتشر شده است. کتاب «روان‌شناسی رسانه اجتماعی» به این می‌پردازد که چگونه بخش بزرگی از زندگی روزمره ما در فضای آنلاین سپری می‌شود و این موضوع چه تأثیراتی بر هویت و به‌زیستی و روابط ما می‌گذارد. کتاب از سویی نشان می‌دهد که پروفایل‌ها، هم‌پیوندان آنلاین، استاتوس‌ها و اشتراک‌گذاری عکس‌ها چگونه می‌توانند راهی برای ابراز خودمان و شکل‌دهی به دایره تعاملاتمان باشد و از سوی دیگر مشکلات رسانه اجتماعی از قبیل مسائل مربوط به حریم خصوصی را برجسته می‌کند. «روان‌شناسی رسانه اجتماعی» نشان می‌دهد که رسانه اجتماعی چگونه دنیای ارتباطی کاملاً جدیدی ایجاد کرده است و خوب یا بد، احتمالاً کماکان سهم مهمی در چگونگی درک ما از خودمان خواهد داشت. کیوران مک‌ماتن دارای دکترای تاریخ و نظریه روان‌شناسی از یونیورسیتی کالج دویلین است. در علق پژوهشی او روان‌شناسی و فناوری به هم می‌پیوندند، از جمله در زمینه امنیت سایبری و رسانه اجتماعی.



روان‌شناسی رسانه اجتماعی  
نویسنده:  
کیوران مک‌ماتن  
مترجم:  
ماندانا افتخار  
انتشارات: نشر نو

## تاریخ

### نبرد کربلا



۵ اسفندماه ۱۱۱۷ خورشیدی، سپاهیان نادرشاه افشار در شاهکاری تاکتیکی و ظرف سباحت، بر ارتش محمدشاه گورکانی غلبه کردند و بدین ترتیب دروازه‌های دهلی روی ایرانیان گشوده شد.

پادشاه هند در مذاکرات پس از جنگ پذیرفت که غرامت قابل توجهی بپردازد اما نادر، محمدشاه را مجبور به تسلیم کامل کرد و او را به دهلی - جایی که خزانه قرار داشت - برد. قیام شهروندان دهلی علیه سربازان نادر هم به قتل عامی خونین و غارت کل شهر ختم شد. غارت عظیم به‌دست‌آمده در دهلی، باعث شد نادر فرمانی صادر کند که کل مالیات ایرانیان برای مدت سه‌سال بخشوده شود. سپس ارتش ایران به‌سرعت خارج شده و ۳۰ هزار کشته از دشمن بر جای گذاشت. محمدشاه نیز مجبور شد تمام سرزمین‌های خود در غرب سند را که توسط نادرشاه ضمیمه شده بود، واگذار کند. دلیل عمده این نبرد این بود که ۸۰۰ نفر از افسران افغان پس از شکست از نادر، به دربار هند پناهنده شده بودند و اگرچه نادر سرباز خواستار استرداد آنها شده بود، اما پادشاه هند نهنه‌ها با این درخواست مخالفت کرد بلکه فرستاده آخر نادر را نیز به قتل رسانید.